

### اندیشه‌های عرفانی - اخلاقی ابن‌پاقودا و غزالی

#### با تأکید بر دو اثر *الهدایه الی فرائض القلوب* و *احیاء علوم‌الدین*<sup>۱</sup>

حسین علی جعفری

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد

علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

طاهره حاج ابراهیمی<sup>۲</sup>

دانشیار ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

#### چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی اندیشه‌های عرفانی - اخلاقی بحیا بن‌یوسف ابن‌پاقودا و ابوحامد محمد غزالی با تمرکز بر دو کتاب *احیاء علوم‌الدین* و *الهدایه الی فرائض القلوب* است. در این مقاله می‌کوشیم تا مؤلفه‌ها و مضامین مشترک اندیشه‌های عرفانی - اخلاقی بحیا ابن‌پاقودا و غزالی را در دو سنت عرفانی اسلام و یهود، بازخوانی کنیم. بر اساس مطالعه‌ی دو اثر، شباهت‌هایی زیادی میان اندیشه‌ی عرفانی - اخلاقی غزالی و ابن‌پاقودا وجود دارد، به‌نحوی که اگرچه شاید نتوان اثر ابن‌پاقودا را تقلیدی از منظومه فکری و کتاب غزالی دانست، اما میزان نزدیکی اندیشه‌های‌شان در حوزه‌ی عرفان و اخلاق، قابل‌توجه است. اندیشه‌ی ابن‌پاقودا در کتاب *الهدایه*، که شاید بتوان تأثیراتی از اندیشه اخوان‌الصفاء و فلوطین را در آن یافت، بر اهمیت روحانیت و تقوای درونی به‌عنوان انگیزه‌های اساسی هر نوع رفتار دینی و اخلاقی تأکید می‌کند که او آن‌ها را «وظایف قلبی» می‌نامد. این نوع اندیشه‌ی عرفانی - اخلاقی با تفکر عرفا و اهل تصوف در عالم اسلام به‌خصوص غزالی دارای وجوه

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

۲. پست الکترونیک (نویسنده مسؤول): thajebrahimi@yahoo.com

مشترک بسیاری است. لذا، بررسی دو اثر، نشان‌دهنده‌ی این است که اخلاقیات هر دو رنگ و بویی از جنس تصوفِ مبتنی بر زهد را دارا است.

### کلیدواژه‌ها

محمد غزالی، بحیا ابن‌پاقودا، الهدایه الی فرائض القلوب، احیاء علوم‌الدین، اخلاق عرفانی، وظایف قلبی.

### مقدمه

بین سال‌های ۴۳۱ تا ۵۳۶ ق در ساراگوسا (= در منابع اسلامی سرقسطه)، عارفی یهودی به نام بحیا بن یوسف بن پاقودا می‌زیست و کتاب برجسته الهدایه الی فرائض القلوب را به عربی از خود به یادگار گذاشت. دعا‌های مذهبی و حدود ۲۰ پیوپ<sup>۱</sup> و ده شعر از بهترین اشعار وی که برای عبادات می‌باشد، ضمیمه این کتاب شده است. یهودا بن شائول کتاب بحیا را به عبری ترجمه کرد و ترجمه او به‌عنوان رساله‌ای دینی- اخلاقی نزد یهودیان اهمیت یافت. از ترجمه عبری الهدایه چندین خلاصه نوشته شد. این اثر در فاصله سال‌های ۱۱۵۰-۱۱۶۱م توسط یهودا بن تبون با عنوان حووت هیلواووت به عبری ترجمه و پرخواننده‌ترین کتاب در ادبیات یهودی سده میانه شد.<sup>۲</sup>

مهم‌ترین ویرایش آن نخست توسط ابراهیم سالم بن بنیامین یهودا، حدفاصل سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۱۲م و پس از آن توسط ا. زیفرونی، ویرایش عبری آن مبتنی بر متن عربی اصلی، در ۱۹۲۸م در بیت‌المقدس انتشار یافت. ژوزف کیمهی نیز بخش‌هایی از این کتاب را ترجمه کرد. الهدایه حاصل تلاقی معارف مسلمانان

<sup>۱</sup>. شعر دینی یهود که در عبادات و آیین‌های جمعی و فردی خوانده می‌شود.

<sup>۲</sup>. Scholem, G. *Origins of the Kabbalah*, Princeton: University Unites States, 1990, p222.

با یهودیان، به خصوص الهیات سعیدیا گائون و ابن‌گبیرول بوده و بحیا با استفاده از نوشته‌های کسانی همچون ابوطالب مکی و محمد غزالی، طرحی برای اعتلای اخلاقی و معنوی ریخته است.

بحیا، فلسفه نوافلاطونی را به واسطه آثاری همچون رسائل اخوان‌الصفا درک کرده و به دلیل انتساب برخی کتاب‌های فلوطین به ارسطو، ارسطویی نیز به - شمار آمده است.

بحیا از وارثان سنت یهودی-عربی به‌شمار می‌آید که در آن یهودیت ربّانی تلمودی با خردگرایی کلام اسلامی درهم‌آمیخته و در آثار سعیدیا گائون به اوج خود می‌رسد. هنگامی که مرحله‌ی جدیدی از عرفان یهودی در اسپانیا آغاز شد، بحیا چهره‌ای شاخص در همزیستی یهودی-عربی بود. در حالی که او اشاره‌ای به نام صوفیان نمی‌کند، استفاده از واژگان، نشان‌دهنده‌ی آشنایی او با ادبیات دست اول اندیشه‌ی اسلامی است.<sup>۱</sup>

ابوحامد محمد غزالی در علم اخلاق، عرفان، منطق، کلام و ایجاد یکی از سنگین‌ترین بن‌بست‌ها علیه فلسفه و عقل فلسفی، تاثیرگذار بود. به باور برخی، اگر پیامبری پس از حضرت محمد(ص) می‌بود، غزالی بود.<sup>۲</sup> احیاء علوم‌الدین مهم‌ترین اثر اخلاقی و عرفانی وی و مشتمل بر چهار فصل است و هر فصل نیز مشتمل بر ده باب می‌باشد.

با توجه به این‌که نشانه‌های آثار اهل زهد و صوفیان مسلمان هم‌عصر بحیا و حتی پیش از وی در الهدایه مشهود است؛ به مطالعه‌ای تطبیقی میان اندیشه‌های

<sup>۱</sup>. Lobel, Diana, *A Sufi-Jewish Dialogue: Philosophy and Mysticism in Bahya ibn Paquda's "Duties of the Heart"* (Jewish Culture and Contexts), University of Pennsylvania Press, 2007, pxiii.

<sup>۲</sup>. نیکلسون، رینولد، *تصوف اسلامی و رابطه انسان با خدا*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ دوم، تهران، سخن، ۱۳۷۴، ص ۷۵.

بحیا و غزالی با تاکید بر الهدایه الی فرائض القلوب و احیاء علوم الدین می‌پردازیم.

### ماهیت عرفانی الهدایه

اندیشه بحیا در الهدایه، به‌سان پلی با رویکردی عقل‌گرایانه راه را برای ادغام فلسفه و معنویت، در ذهن اندیشه‌ورزان پس از خود، همچون موسی بن میمون باز می‌کند. سارا سویری درباره ماهیت الهدایه می‌نویسد: «اولین اثر عرفانی که در اندلس نگاشته شد که بتوان آن را از آن صوفیه نامید، کتابی به‌زبان عبری و با عنوان الهدایه الی فرائض القلوب بود که آن را اندیشمند یهودی هم‌عصر ابن‌حزم با نام بحیا ابن‌پاقودا نوشته است»<sup>۱</sup>.

کتاب الهدایه نخستین بیان نظام‌مند اخلاقیات یهودی را ارائه می‌کند. سنتی در اندیشه یهودی وجود دارد که منشأی اسلامی دارد و خود را اساساً در نوشته‌های عبری-عربی نشان داده است. امروزه این سنت تحت نام فلسفه یهودی قرون وسطایی مطرح می‌شود. یکی از نمایندگان این تفکر بحیا است که در کنار ابن‌داوود، یهودا هیلوی و موسی بن میمون قرار می‌گیرد. بحیا هم‌عارف و هم‌فیلسوف بود. با وجود شمول و جامعیت اخلاقیات کتاب بحیا، این اثر اساساً یهودی و آکنده از نقل‌قول‌هایی از کتاب مقدس و منابع تلمودی است. بحیا از وارثان سنت یهودی-عربی است که در آن یهودیت ربّانی تلمودی با عقل-گرایی کلام‌محور اسلامی، عجین شده است. بحیا به این سنت، عنصر زهد و عرفان اسلامی و گرایش‌های نوافلاطونی را افزود و در اثر خویش آمیزه‌ای منطبق با اندیشه و سنت یهودی عرضه نمود<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup>. Seviri, Sara, *Jewish-Muslim Mystical Encounters in the Middle Ages with Particular Attention to Al-Andalus*, p.6., viewed 29 November 2019, <https://www.academia.edu/35333184/>

<sup>۲</sup>. Scholem, *Origins of the Kabbalah*, p. 222.

### اصول تکالیف قلبی

ردپای ادبیات عارفانه اسلامی، پیش از بحیا، در شعر دینی شاعران بزرگ عبری‌زبان اندلس مانند: ابن‌گبیرو و یهودا هلووی یافت می‌شود، اما اولین اثر منشور یهودی در سده‌های میانه که نشان‌گر درک عمیقی از آموزه‌های صوفیانه و عرفانی باشد، *الهدایه* است.<sup>۱</sup> بحیا در مقدمه *الهدایه*، به دنبال احصاء اصول تکالیف قلبی‌ای بوده که اثبات‌کننده اهمیت و محوریت وظایف قلب در برابر وظایف جوارح و اعضای ظاهری باشد. در این مسیر، وی اصل توحید را به‌عنوان کانون برگزیده، چنین می‌گوید: «هنگامی که مصمم شدم اصول تکالیف قلبی را در این کتاب ثبت کنم، قیاس خویش را در برگزیدن آن اصول به‌کار گرفتم تا جامع و شامل آثار دیگر باشد. پس اصل اول و اساس بنیادین آن را اخلاص توحید برای خداوند قرار دادم». وی به تنظیم دیگر اصول به‌گرد اصل توحید می‌پردازد: «سپس نگرستم که با پذیرفتن توحید چه چیزی از وظایف مذکور بر ما لازم می‌آید؛ به‌همین جهت عبرت را اصل دوم؛ التزام به طاعت خداوند را اصل سوم؛ توکل را اصل چهارم؛ اخلاص را اصل پنجم؛ تواضع را اصل ششم؛ توبه را اصل هفتم؛ محاسبه نفس را اصل هشتم؛ زهد در دنیا را اصل نهم و محبت خداوند را اصل دهم برخی از وظایف قلبی قرار دادم».<sup>۲</sup>

### اولویت وظایف قلبی در برابر وظایف جوارح

محور توجه بحیا در مقدمه *الهدایه*، تبیین وظایف قلوب است. بحیا با تبعیت از دوگانه سستی موجود در ادبیات عرفانی یهودی، وظایف بشری را دو تقسیم می‌کند: **وظایف جوارح** که

<sup>۱</sup>. لیمن، الیور، *سنت فلسفی یهودی در جهان اسلام*، مترجمان مهدی وهابی و مرتضی کربلایی‌لو، تهران، آستانه، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸.

<sup>۲</sup>. ابن‌یاقودا الاندلسی، بحیا، *الهدایه الی فرائض القلوب*، تصحیح: ابراهیم سالم بن بنیامین یهودا، هلند، انتشارات بریل، ۱۹۱۲-۱۹۰۷، صص ۲۵-۳۰.

شامل کنش‌های آشکار، مناسک، اعمال واجب و حدود شرعی است و **وظایف قلب** که متشکل از احساسات و مسئولیت‌های درونی یا همان ذات، روح، مغز شریعت و دین بوده و مبتنی بر اصل اساسی ایمان است. مقوله نخست شامل ممارست مرتبط با آداب، رسوم و اخلاقیاتی است که تورات بر آن‌ها تأکید دارد و آیین‌های عبادی روز شنبه، نماز و خیرات را شامل می‌شود. نوع دوم از باورهایی مانند وحدانیت پروردگار تشکیل شده است؛ در این میان باید نسبت به خداوند خوف و رجاء داشت، توبه کرد و شئون اخلاقی را رعایت نمود.

بحیا میان جسم و روح تمایز قائل می‌شود. او فعالیت‌های بدنی را در قلمرو پایین‌تر و کنش‌های روحی را در قلمروی بالاتر می‌گذارد. با این توضیح، هریک از بخش‌های *الهدایه* به یکی از این وظایف خاص اختصاص دارد.<sup>۱</sup>

#### توحید و وحدانیت به مثابه نشان محوری دین

بحیا در فصل نخست *الهدایه* بیان می‌نماید: «با جست‌وجو از مؤکدترین ارکان و اصول دین‌مان، یافتیم که اخلاص توحید آفریدگار، اصل دین است». وظایف قلب‌ها مخاطب را از طریق مراحل کمال و صعود حیات درونی انسان، به سوی کمال معنوی و در نهایت اتحاد با الوهیت رهنمون می‌شود. از دید بحیا بدون توحید، سخن گفتن از دین و آیین یهود بی‌معناست. وی در فصل هفتم *الهدایه* در رویکردی استدلالی و کلامی بر اساس هفت وجه، صحت و اصل توحید را بیان می‌کند: «از جهت در نظر گرفتن علل موجودات؛ از جهت اثر حکمت آشکار در سراسر عالم؛ از جهت حدوث عام برای جمله عالم؛ در رد

<sup>۱</sup>. Cohn-Sherbok, Dan, *Medieval Jewish Philosophy: An Introduction*, London & New York: Routledge, 1996, p16,17.

بیش از یک خالق؛ از جهت معنی کثرت و وحدت؛ از جهت عرض لازم برای کل متکثر؛ این‌که خالق اگر بیش از یکی بود.<sup>۱</sup>

بحیا تأکید می‌کند که توحید اصل اساسی دین است؛ هنگامی‌که از مهم‌ترین اصل اساسی دین یهود جويا می‌شویم، پذیرش قلبی وحدانیت خدا پایه و اساس یهودیت و نخستین دروازه ورود به تورات است.<sup>۲</sup>

فصل دهم از باب یکم *الهدایه*، صفات الهی و بازخوانی مبتنی بر نقل و عقل پیرامون کیفیت ماهیت، طبقه‌بندی و انواع این صفات است و پس از تشریح ابعاد گوناگون اصل وحدت و توحید ذات اقدس، به تبیین ابعاد گوناگون مترتب بر صفات الهی می‌پردازد. بحیا در مقام یک متأله و اندیشه‌ورز در حوزه عرفان و اخلاق، وجه مقابل اصل توحید را در شرک و بت‌پرستی جستجو می‌کند. از دید بحیا در زندگی معنوی نه‌تنها عشق، اعتماد و تواضع در توکل به خداوند باید مورد توجه قرار گیرند، بلکه دانستن دانش درمورد الهیات نیز الزامی است.<sup>۳</sup>

### موارد خدشه بر خلوص اصل توحید و اخلاص عمل

وی همواره درگیر نوعی آسیب‌شناسی در باورهای مقوله وحدانیت الهی است. بحیا در تعریف و تشریح اصل توحید بیان می‌کند: «اخلاص توحید برای خداوند آن است که بعد از استدلال از راه نظر بر صحت وجود و حقیقت وحدانیتش؛ دل و زبان در توحید خداوند یکسان باشد.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>. بن‌پاقودا الاندلسی، *الهدایه الی فرائض القلوب*، صص ۵۷ و ۸۰-۷۲.

<sup>۲</sup>. Ibn Pakuda, Bachya, *Duties of the Heart*, Yaakov Feldman(trans.), Northvale, NJ: Jason Aronson Inc, 1996, p55.

<sup>۳</sup>. Lobel, Diana, *A Sufi-Jewish Dialogue*, .pp.97-99.

<sup>۴</sup>. بن‌پاقودا الاندلسی، *الهدایه الی فرائض القلوب*، صص ۳۸-۳۵.

بحیا می‌گوید: «اخلاص در عمل برای خداوند، همان قصدی است که با اعضاء ظاهری و باطنی در انجام فرامین الهی انجام می‌گیرد تا رضایت‌مندی خدا را بدون در نظر گرفتن بندگان جلب نماید». وی در ادامه به آفت‌شناسی و آسیب‌شناسی مسأله اخلاص پرداخته و می‌گوید: «آفات اخلاص در عمل برای خداوند، سه قسم می‌باشد که اول آن‌ها جهل و نادانی نسبت به خداوند و نعمات اوست. دوم، جهل و نادانی نسبت به دستورات الهی و شریعت او. سوم، وسوسه‌ها، هواهای نفسانی، غمزه و اشارات آن به سمت انسان است که باعث گرایش و محبت دنیا شده و انسان را از مسیر سلوک به سمت آخرت دور می‌نماید». بحیا همچنین وعده پاداش را شرک خفی دانسته در باب مربوط به اخلاص، ادعا می‌کند که سرشت انسان، آدمی را با وعده‌های پاداش در آخرت می‌فریبد و به انسان می‌قبولاند که اشرف مخلوقات، برگزیدهٔ خداوند و پاک‌سرشت است و این نیز از آسیب‌های اخلاص می‌باشد!

### وظایف قلوب در ساحت استدلال عرفانی

بحیا در زمینه محتوا و فضای کلان حاکم بر کتاب چنین می‌گوید: «آن‌را بر ده اصل بنیان نهادم که همهٔ وظایف قلبی را دربرمی‌گیرد و بر ده باب تقسیم کردم که هر باب به یک اصل از آن اصول می‌پردازد... جمیع وظایف قلبی و آداب نفوس، چه امر باشد و چه نهی، در تعریف و تفصیل این اصول ده‌گانه که در کتابم آمده، جای داده شده». بحیا حامی مقوله‌ها و وظایف دینی در مطالعه طبیعت و اعتباربخشی به جستجوی علوم مادی است. او بر اولویت مطالعه در طبیعت تأکید می‌نماید و وظیفه و هدف نهایی دین، شریعت و خوانش عرفانی خود از دین و وظایف قلبی را چنین تشریح می‌کند: «هدف از وظایف قلبی، همان هم‌ترازی ظاهر و باطن ما و تعادل این ظاهر و باطن در طاعت خداوند است، تا گواهی قلب، زبان و جوارح بر عبودیت خداوند بر یک پایه باشد و هریک از آن‌ها دیگری را تصدیق کند و

<sup>۱</sup> بن‌پاقودا الاندلسی، *الهدایه الی فرائض القلوب*، صص ۲۲۹-۲۲۸.



در آن باره برای وی گواهی دهد و با آن مخالفت و تناقض نداشته باشد و این همان است که کتاب آن را کامل می‌نامد<sup>۱</sup>!

بحیا در الهدایه به عشق الهی می‌رسد. این هدف غایی یک عارف است که خود را از عشق به هر چیز مادی خالی می‌کند؛ قلب معتقد آکنده از عشق الهی است، ایمانی استوار و توکل به خداوند دارد و هر کاری که انجام می‌دهد با اراده الهی است<sup>۲</sup>.

وی از انسان‌ها می‌خواهد تا با تمام وجود به خداوند عشق ورزیده و مطیع وی باشند. بحیا نقش خرد و محدودیت‌های آن را در بسط مؤلفه‌های یهودیت و زندگی یهودی واکاوی کرد<sup>۳</sup>.

از دید وی، عشق خداوند، آمیزه‌ای از درجات کمال می‌باشد، اما فراتر از آن نمی‌رود. عشق خداوند با چنین شرحی، عارف را در فاصله کمی از معشوقش نگه می‌دارد<sup>۴</sup>.

مشخصه الزامی وظایف قلوب با خرد، قانون و سنت تایید می‌شود. در نتیجه، ما باید خداوند را به سبکی دوگانه بپرستیم؛ با عبادتی مشهود و نامشهود. وی در خصوص مابعدالطبیعه که به‌عنوان «دانش خداوند» تعریف می‌کند، اظهار می‌نماید که «این وظیفه ما است که به دنبال حکمت برویم تا دین‌مان را درک نماییم»<sup>۵</sup>.

### ماهیت و مبانی فکری-عرفانی در وظایف قلوب

<sup>۱</sup> همان، صص ۱۸-۱۹.

<sup>۲</sup> De Lange, Nicholas, *An Introduction to Judaism*, University of Cambridge, 2002, pp198-199.

<sup>۳</sup> Mittleman, Alan, *Holiness in Jewish Thought*, Oxford University Press, 2018, p90.

<sup>۴</sup> Lobel, Diana, *A Sufi-Jewish Dialogue*, pp.89-90

<sup>۵</sup> Dauber, Jonathan, *Knowledge of God and the Development of Early Kabbalah*, the Netherlands: BRILL, 2012, p70.

بحیا مرز میان مسائل فلسفی، کلامی و عرفانی را در این اثر مشخص نکرده و به طرح بسیاری از مسائل اخلاقی و فقهی پرداخته<sup>۱</sup>. او در تلاش برای درمان ظاهرگرایی و جمود دینی هم‌مسلكانش، برنامه سلوک فردگرایانه و درون‌گرایانه‌ای وضع کرد که از خلال تفکر و گرایش به اتحاد با «نور ملکوتی»، راهبر نفس است. به گفته خودش، وی نخستین نویسنده پساتلمودی است که به‌شکلی نظام‌مند به حوزه قلبی و درونی وظایف دینی یهودیت می‌پردازد. از دید بحیا ملاک پذیرش و ترفیع اعمال، نیت و وجه قلبی نهفته در پس آن بوده و بر این باور است که خداوند تنها خالق حقیقی و یگانه منشأ حقیقت است که با وجود تفاوت‌های موجود، جهان را متحد می‌سازد. بحیا به تحلیل شعر «تاج ملکوتی»<sup>۲</sup> سلیمان بن گبیرویل می‌پردازد<sup>۳</sup>.

اگرچه رفتار زاهدانه هیچ‌گاه حتی در فرهنگ یهودی قرون وسطایی رواج پیدا نکرد، اما *الهدایه* به یکی از اثرگذارترین آثار اخلاقی، به‌ویژه در دوران پیش از حسیدیسیم، تبدیل شد. بحیا بدین امر می‌پردازد که لذات در صورتی که بیش از حد مورد توجه قرار بگیرند، چگونه به نابودی آدمی می‌انجامند.

از دید او، وظیفه جذب دانش برعهده ذهن است؛ زبان وظیفه بیان حقیقت را دارد؛ دست‌ها وظیفه انجام امور خیریه را دارند؛ و غیره. اما قلب نیز وظایفی دارد، و این‌ها متعددتر و مهمتر از آن‌هایی هستند که دیگر اعضای بدن بر عهده دارند. اعمال در صورتی صرفاً حرکتی و از نظر دینی ناکارآمد می‌شوند که قلب هر کنشی را با احساس و عاطفه‌ای مناسب همراه نکنند<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup>. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، فیلسوفان یهودی و یک مساله بزرگ، تهران، هرمس، ۱۳۸۸، صص ۱۹۷ و ۲۱۶.

<sup>۲</sup>. کتر ملخوت، به معنای تاج ملکوتی یا تاج سلطنتی، مجموعه اشعار دینی اثر سلیمان بن گبیرویل است. این مجموعه در

۹۰۰ بیت، جهان را به مثابه شاهدهی بر آفرینش الهی توضیح می‌دهد.

<sup>۳</sup>. Lobel, Diana, *A Sufi-Jewish Dialogue*, pp. 89-90

<sup>۴</sup>. Mansoor, Menahem, *Jewish History and Thought: An Introduction*, NJ: KTAV Publishing House, 1991, p. 261.

### پندپذیری؛ حکمت و شکرگزاری از نعمت‌های پروردگار

بحیا در بسط موضوع پندپذیری در باب دوم *الهدایه*، چنین می‌نگارد: «ارکان حکمت ثابت‌ه در مخلوقات با کثرت انواع و اشخاص‌شان هفت مورد است: یکی از آن‌ها اثر حکمت آشکار در اصول عالم و اصلش است. رکن دوم اثر حکمت آشکار در نوع انسان است که او عالم صغیر است و تمام نظام این عالم و زیبایی و زینت و کمال آن برای اوست. رکن سوم، اثر حکمت آشکار در ترکیب انسان و آفرینش جسم و قوای نفسش می‌باشد و همچنین عقلی که خداوند آن‌را به انسان برای تشخیص داد و با عقل او را بر سایر حیوانات غیرناطق برتری داد. رکن چهارم، اثر حکمت آشکار در انواع دیگر حیوانات است. رکن پنجم، اثر حکمت آشکار در گیاهان و معادن آماده شده برای مصالح انسان و انواع منافعش. رکن ششم، اثر حکمت آشکار در علوم و صناعات و کارهاست. رکن هفتم، اثر حکمت آشکار در وضعیت دین‌ها و سنت‌هاست که برای فرمان‌برداری کردن از خداوند است». برخلاف این‌که بحیا تصور از دنیا را به‌عنوان منزلی باشکوه به‌عنوان راه اثبات اصلی به‌کار می‌برد؛ تصور انسان نابینا را به‌عنوان واسطه‌ای برای توصیف خلقت به‌میان می‌آورد.<sup>۱</sup>

بحیا در فصل سوم از باب سوم، با عنوان تعریف اطاعت و شرح اقسام آن و ویژگی‌های هر قسم از اقسام، به تبیین مقوله اطاعت الهی می‌پردازد: «تعریف اطاعت خضوع و فروتنی نعمت‌گیرنده نسبت به نعمت‌دهنده به‌خاطر نعمت و جبران نعمت‌ها برحسب توانش است و خضوع و فروتنی به دو قسمت تقسیم می‌شود؛ یکی از آن دو، فروتنی از روی ترس، ترغیب، اجبار و کراهت است و دوم فروتنی که براساس وجوب است و آن فرد شایسته بزرگ داشتن و تعظیم است»<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup>. Lobel, Diana, *A Sufi-Jewish Dialogue*, pp.124-125.

<sup>۲</sup>. بن‌یاقودا الاندلسی، *الهدایه الی فرائض القلوب*، صص ۱۴۰-۱۳۲.

### محاسبه نفس و زهد

مطابق اندیشه بحیا: «محاسبه نفس، تحصیل کردن امور دینی و دنیایی به مقتضای آنچه که عقلانی است می‌باشد تا انسان بداند که چه حقوقی را داراست و پیامبر (= موسی (ع)) ما را به آن امر کرده است.

تحصیل امور دینی و دنیایی در انسان‌ها به تناسب قوه تمییز، و عقل و ذکاوت فهم‌شان متفاوت است. اما همه انسان‌ها مکلف‌اند که بر اساس هر نعمتی که خداوند به صورت عام و خاص به او داده خودشان را محاسبه کنند». بحیا در تشریح و بازشناسی مسأله زهد به‌عنوان یکی از ارکان اندیشه عرفانی خویش بیان می‌نماید: «تعریف زهد به‌نحو مطلق ترک شهوت نفس و صبر بر ترک چیزی است که نسبت به آن زاهد می‌شود؛ البته در صورتی که قادر بر انجام آن باشد و سبب انجام زهد فراهم باشد؛ و گفته شده است که زاهد کسی است که قادر باشد ترک کند. علت ترک شهوت نفس بر دو قسم است: یکی عام است که شامل انسان و کثیری از حیوانات می‌شود و علت دوم مخصوص انسان‌های اهل شریعت است».<sup>۱</sup>

### آگاهی دینی، اقسام دین، مراتب اهل علم و درجات اعتقاد و التزام به دین

یکی از دل‌مشغولی‌های پیوسته ابن‌پاقودا در سراسر کتاب *فرائض القلوب*، تبیین ماهیت دین و آداب دین‌داری بر بنیاد عرفان و ذهن اخلاق‌محور است. بر این اساس، وی می‌کوشد مبانی آگاهی دینی و ماهیت دین و دین‌داری صحیح و درست را به گفتگو بگذارد. وی برای اهل علم و ایمان درجاتی قائل بوده و بر آن است که فهم دینی و نیز کیفیت اندیشه-ورزی دینی، به‌ویژه از نظر نحوه عاملیت و عنصر عرفان، عقیده و اخلاق، دارای سطوح و انواعی است: «پس برای ما شایسته می‌باشد که چگونگی آگاهی دینی و اقسام دین و مراتب اهل علم در آن و درجات‌شان در اعتقاد و التزام به دین را تبیین کنیم. پس می‌گوییم که

<sup>۱</sup> همان، صص ۳۵۴-۳۵۶.

آگاهی دینی و حییی است که از طرف خداوند عزوجل، بر انسانی به خاطر نیکویی و ممارست در عبادت خداوند متعال الهام می‌شود تا این‌که به خاطر التزام به آن، به او پاداش دنیا و آخرت داده شود. دین با توجه به اعمال مردم بر سه قسم است: امر و نهی و مباح. بحیا پس از تبیین ماهیت و اقسام دین و آگاهی مذهبی و بیان برخی حدود الهی، به بیان سلسله مراتب ایمان و تقسیم‌بندی نسبت مردم با مقوله امر دینی پرداخته. بر همین اساس وی در یک روند سلسله‌مراتبی، جایگاه اهل تصوف و عرفان را در ده مرتبه برمی‌شمارد. همچنین به سبک‌شناسی اعتقادی مردم و اهل دین و کیفیت التزام ایشان به اطاعت و بندگی پروردگار پرداخته و می‌گوید: روش‌های اهل دین در عمل به اعتقاداتشان و ملزم بودن به اطاعت خدا بر ده مرتبه است.<sup>۱</sup>

### انقلاب روحی غزالی و گرایش به سوی عرفان قلبی

غزالی چنان‌که در *المنقذ من الضلال* نقل می‌کند پس از رهایی از شک، جریان‌های فکری آن دوران را منحصر در متکلمین، باطنیه، اهل فلسفه و صوفیه یافت. او اظهار می‌دارد که پس از آزمودن و پی‌بردن به نقاط ضعف و قوت هرکدام از این نحله‌ها، به تصوف به‌عنوان سالکان خاص طریق خدای تعالی گراییده؛ چرا که سیرت اهل تصوف بهترین سیرت‌ها، راه آن‌ها صواب‌ترین راه‌ها و اخلاق آن‌ها پاکیزه‌ترین خلق‌هاست. از دید وی، تصوف طریقتی است که طهارت آن تطهیر قلب از ماسوی‌الله، آغاز آن استغراق قلب در ذکر خدا و پایان آن فنا شدن در خداست. طریق عرفانی و سلوک صوفی‌مآبانه غزالی در دوران توجه وی به عناصر درونی و قلبی ده مرحله دارد: توبه، صبر و شکر، خوف، صدق و اخلاص، فقر یا درویشی اختیاری، محاسبه و مراقبه، تفکر، توحید و توکل، محبت و شوق رضا یا عشق عرفانی به خدا، یاد مرگ.

<sup>۱</sup> بن‌باقودا الاندلسی، *الهدایه الی فرائض القلوب*، صص ۱۴۰-۱۳۲.

سبک غزالی در دوران بازگشت، نوعی شورش بر علیه علم رسمی، قالب پذیرفته شده تفکر دینی، فلسفی و عرفانی و گرایش به معارف قلبی و اخلاقی بود. غزالی که خود در اوایل مدتی به فلسفه روی آورده بود، در نهایت دریافت که با مقولات و مدعیات فلسفی همفکری ندارد.<sup>۱</sup>

به باور برخی همچون ابوالفرج جوزی، غزالی / احیاء را مطابق مذاق و میل اهل تصوف نگاشته و بعضاً از حدود فقهات خارج شده و احادیث و روایات مجعول متعددی دارد.<sup>۲</sup>

### احیاء علوم‌الدین و ساختار آن

دفتر چهل‌گانه احیاء مجموعه‌ای از علوم و معارف دینی است که به سبک کتب فقهی به چهار ربع تقسیم شده است.

ربع عبادات و ربع عادات که جزء اول و دوم / احیاء را در برمی‌گیرد، تعلیم غزالی در باب حیات ظاهری است.

ربع عبادات نشان می‌دهد که غزالی همانند آن دسته از صوفیه که اهل صحو در برابر سُکر خوانده می‌شوند، رعایت آداب شریعت را شرط اصلی برای تقرب و نزدیکی به پروردگار می‌یابد.

ربع عادات حاکی از آن است که انسان آنچه را که به آداب خورد، خواب، کسب، معاش، حلال و حرام مربوط است و هرچه در کار الفت و عزلت و سفر و معیشت است، باید به‌جا بیاورد. و آن در پیروی از سنت پیامبر (ص) است و اخلاق درست و سرمشق واقعی را در سیرت پیامبر جستجو نماید.

ربع مهلکات و ربع منجیات به‌عنوان جزء سوم و چهارم کتاب، به تعلیم غزالی در باب حیات باطنی مربوط می‌شود.

<sup>۱</sup> زرین‌کوب، عبدالحسین، فرار از مدرسه، درباره زندگی و اندیشه ابوحامد غزالی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳، ص ۳.

<sup>۲</sup> همایی، جلال‌الدین، غزالی‌نامه، تهران، فروغی، ۱۳۴۲، ص ۲۴۵-۲۴۴.

ربع مهلکات که با توصیف عجایب‌القلب آغاز می‌شود ضرورت نظارت در اعمال و رفتار را که عدم توجه به منشأ آنها مایه محرومیت از رستگاری است را خاطر نشان و زیان‌ها و عواقبی که پیروی از شهوات جسمانی و نفسانی در پی دارد را می‌گوید.

ربع منجیات مربوط به اموری است که به اعتقاد غزالی، نجات واقعی که جوهر تعالیم اولیاء و صالحان است بدان وابسته بوده و نخستین منزلگاه آن توبه است؛ در ادامه مواظبت بر صبر و شکر و خوف و رجا و فقر و زهد و توحید و توکل و محبت و شوق که منازل و مقامات رهروان طریقت است را تجسم می‌نمایند.<sup>۱</sup>

غزالی علوم را به دو دسته تقسیم می‌کند: علم معاملات و علم مکاشفت. او برای تبیین این امر/حیاء را نوشته و درباره سبب تألیف کتاب خود گوید: «اصرار تو بر انکار حقیقت دین موجب نیست مگر آن بیماری که بسیاری از مردمان این روزگار را دامن گیر شده و جمهور خلق بدان مفتون گشته‌اند. سپردن راه آخرت با نشیب و فرازش در غایت دشواری است، زیرا راهبران جهان آخرت عالمانی توانند بود که وارثان پیامبر (ص) باشند؛ عالمانی که اکنون روزگار از وجودشان خالی گشته و جایشان عالمانی جای گرفته‌اند که معروف را منکر و منکر را معروف می‌شمارند، بدین سبب علم دین مندرس شده و آثار یقین ناپیدا گشته است...؛ علم طریق آخرت که پیشینیان صالح ما بر آن کار می‌کردند و خدای تعالی در کتاب خود از آن به فقه، حکمت، علم، ضیاء، نور، هدایت و رشد تعبیر کرده است، از میان مردم رخت بر بسته و به فراموشی افتاده و این امر در دین رخنه و فاجعه‌ای دردناک بود. در چنین حالتی نگاشتن کتاب *احیاء علوم‌الدین* را لازم دانستم، تا از روش پیشینیان پرده بردارم، و دانش‌های سودمند پیامبران و گذشتگان صالح را روشن سازم».<sup>۲</sup>

علی‌رغم استقلال فکری، مبانی معرفت‌شناختی غزالی متأثر از ابوالحسن اشعری بود. غزالی در اصول عقاید همسو با اشعری و در فروع همساز شافعی بود.

<sup>۱</sup> زرین‌کوب، *فرار از مدرسه*، ص ۲۲۶-۲۲۳.

<sup>۲</sup> غزالی طوسی، ابوحامد محمد، *کتاب‌الاربعین*، ترجمه برهان‌الدین حمدی، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۶، ص ۴-۳ و ۵۹.

غزالی اهل دلیل و برهان و قیاس و از نظر اعتقادی، اصولی بود و به تصوف و عرفان و اخلاق باور داشت.

غزالی در بستر و جغرافیای مشترک میان متن‌های گوناگون فلسفی، کلامی، فقهی، عرفانی، علمی، منطقی، جدلی و عقلی تولد یافت؛ در سفر میان فلسفه و ضد فلسفه، علم حصولی و علم حضوری، عقل و دل، فقه و کلام، طریقت و شریعت، تجربه جسمانی و تجربه‌ی روحانی، علم و عمل، عقل و نقل، علت و معلول، اشاعره و معتزله، شافعی و حنبله، رشد کرد و با تمایل به روش و سیره عارفان و طریقه صوفیه، که همان طریق ذوق و حال تبدیل صفات بود، متبلور شد.

غزالی، در این حال و احوال، خود را مهیا و مستعد نوعی و اساسی یا شالوده‌شکنی متن‌های مرسوم و مألوف دینی و تقریر و ارائه خوانش و متنی متفاوت یافت.<sup>۱</sup>

اخلاق عرفانی در *احیاء*، موضوعیت و محوریت جدی دارد. برای نمونه، کوشش عمده غزالی در ربیع عبادات عبور از فقه ظاهر به فقه باطن یعنی اخلاق عرفانی است. در این بخش غزالی در جست‌وجوی احوال باطن و اسرار عبادت است. چگونگی توجه به باطن اعمال و احوال قلب و نیز علم مکاشفه و علم معامله در کتاب *«علم»/احیاء* آمده است. او معتقد است که این علم از آن صدیقان و مقربان است که در اثر ریاضت و تطهیر نفس حاصل می‌گردد. وی در پاسخ به پرسش در چیستی علم آخرت می‌گوید: علم آخرت دو گونه است. یکی علم مکاشفه و دیگری علم معامله. علم معامله خود به دو بخش ممدوح و مذموم تقسیم می‌شود.<sup>۲</sup>

### ماهیت عرفانی و کلامی غزالی در کتاب *احیاء*

<sup>۱</sup> تاجیک، محمدرضا، «صوفی شالوده‌شکن: غزالی و اساسی عارفانه متن»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۷، شماره ۱، ۱۳۹۰، ص ۴۵-۴۳.

<sup>۲</sup> غزالی، ابوحامد، *احیاء علوم الدین*، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوجم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۶۲.



غزالی تا حدودی عرفان را با فقه و کلام آمیخت و از شریعت نیز غافل نشد. وی به الهیات فلسفه مشاء ضربه وارد کرد و آرای آن‌ها را نوعی بدعت و ضد اصول دین به‌شمار آورد. غزالی در خصوص وابستگی عقل فلسفی و شرع به یکدیگر در طرح و بسط مباحث اخلاقی می‌گوید: «پس آن کسی که تنها به تقلید دعوت می‌کند و به کلی عقل را کنار می‌زند نادان است و کسی که تنها به عقل اکتفا می‌کند و از قرآن و سنت بهره نمی‌گیرد فریب خورده است؛ بپرهیز که یکی از آن دو گروه باشی و میان هر دو اصل (عقل و نقل) جمع کن زیرا علوم عقلی مانند غذا است و علوم شرعی مانند دوا». او می‌گوید چهار صفت درندگی، حیوانی، شیطانی و ربّانی در قلب انسان جای دارد که به ترتیب در حکم خوک و سگ و شیطان و حکیم‌اند و همواره این صفات با یکدیگر در نزاع‌اند. عامل شهوت، خوک و عامل خشم سگ و محرک شهوت و خشم شیطان است و حکیم همان عقل است که مأموریت دارد تا وسوسه شیطان را دفع و تمام نیروهای منفی وجود آدمی را مغلوب سازد و به خدمت خود درآورد: «اگر چنین کند کارها اعتدال و عدالت در مملکت تن آشکار می‌شود و همه به راه راست می‌روند؛ اما اگر نتواند آن نیروها را مغلوب کند، آن‌ها وی را مغلوب کرده به خدمت خود درمی‌آورند». به اعتقاد وی مفاهیم و فضیلت‌های اخلاقی چون «صبر، شکر، خوف، رجا، رضا، زهد، تقوی، قناعت، سخاوت، احسان، مرخدای را تعالی دانستن در همه احوال، نیکویی کردن، حسن ظن، نکوخواهی، نکو زندگانی کردن، صدق و اخلاص؛ معرفت به حقایق این احوال، حدهای آن، اسبابی که آن‌را بدان کسب توان کرد، ثمرات و علامات آن، و علاج آن‌چه از آن ضعیف باشد تا قوی شود و آن‌چه زایل بود تا بازآید» از علم آخرت است و تنها راه شناخت این فضایل و رذایل اخلاقی مراجعه به وحی و نقل است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> همان، ج ۱، ص ۶۱ و ج ۳، صص ۲۳ و ۲۷.

### تعریف اخلاق و اخلاق عرفانی در بافت احیاء

او از علم اخلاق به نام‌های علم آخرت، علم صفات خلق، اسرار معاملات دین و اخلاق ابرار یاد می‌کند.<sup>۱</sup> از دیدگاه غزالی، اخلاق در طبقه‌بندی علوم دینی در حیطة علم معامله قرار می‌گیرد و مجموعه‌ای از فضایل نظری و عملی ناظر بر زندگی فردی و اجتماعی انسان است. غزالی به مفهوم اخلاق از سه بعد روانی، اجتماعی و مابعدالطبیعه می‌نگرد.

غزالی خروج از دنیای قیل و قال و مباحثات صرفاً عقل‌پایه را، راه نیل به معرفت یقینی تلقی و در توجیه طریق تصفیه و پالایش که به علم انبیاء منتهی می‌شود و از علم حکما یقینی‌تر و قطعی‌تر است، تمثیلی مشهور دارد. غزالی چنین بیان می‌دارد: هنگامی که اهل چین و اهل روم پیش پادشاه روم از برتری خویش در صورتگری به رقابت دم زدند، پادشاه صفا‌ی تعیین کرد تا در یک جانب آن اهل چین و در سوی دیگر اهل روم بر دیوار صورتگری کنند. پرده‌ای هم در میان صفا آویخت تا هیچ‌یک از فعالیت دیگری اطلاع نیابد. رومی‌ها رنگ‌های بسیار فراهم آوردند و به کار پرداختند اما اهل چین بی‌هیچ رنگی به کارگاه درآمدند و به پرداختن و جلا دادن دیوار اقدام نمودند. چون اهل روم از کار خویش فارغ شدند، چینی‌ها هم ادعا نمودند که کار خویش را تمام کرده‌اند. پادشاه در عجب ماند که آنها بی‌آن‌که رنگی به کار ببرند چگونه از صورتگری فارغ گشته‌اند. چون پرده برافکندند آنچه در سمت رومی‌ها تصویر شده بود در سوی چینی‌ها نیز با برق و تلالو بیشتر جلوه داشت. کار صوفیه و اولیاء نیز در تصفیه قلب و تطهیر آن از زنگار و کدورت همچون کار اهل چین است.<sup>۲</sup>

غزالی افزون بر احکام ظاهری به معانی نهانی این اعمال می‌پردازد. او چهار نوع طهارت را برمی‌شمارد. نوع اول: پاکیزگی ظاهر از نجاسات؛ دوم، پاک کردن اندام از گناهان؛ سوم،

<sup>۱</sup>. عثمان، عبدالکریم، روان‌شناسی از دیدگاه غزالی، ترجمه سیده‌محمدباقر مجتبی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱،

ص ۳۲۵.

<sup>۲</sup>. زرین‌کوب، فرار از مدرسه، ص ۱۸۱-۱۷۹.

پاک کردن دل از رذایل و چهارم، پاک کردن باطن از غیرخدا. این نوع چهارم را طهارت پیامبران و صدیقان می‌داند. وی امور نهانی و معانی باطنی نماز را وابسته به شش مقوله می‌داند: حضور قلب، تفهیم، تعظیم، هیبت، رجاء و حیاء.<sup>۱</sup>

غزالی در *احیاء علوم‌الدین* تلاش می‌کند ابعاد اسلام عملی را که اخلاق نیز جزو آن‌ها است، مورد بازخوانی و بازاندیشی قرار دهد. به باور غزالی: «هرچه در عالم است به خواست و به ارادت اوست. هیچ چیز از اندک، بسیار، خرد، کلان، خیر، شر، سود، زیان، زیادت، نقصان، رنج، راحت، بیماری و تن‌درستی نشود، آلا به تقدیر و مشیت و قضا و حکم خداوند و اگر همه عالم از جن و انس و شیاطین و ملائک گردهم‌آیند تا یک ذره از عالم بجنابند یا برجای بدارند یا بیش کنند یا کم کنند بی‌خواست او همه عاجز آیند و نتوانند، جز آن که وی خواهد».<sup>۲</sup>

غزالی در پاسخ به پرسش در باب منشاء و بنیاد حسد و منافست چنین می‌نویسد: «سبب آن دوستی چیزی است که منافست در آن است و ارکان آن در هفت سبب محصور است: عداوت، تعزز، تکبر، تعجب، ترسیدن از فوت مقاصد مجبوب، حبّ جاه، خبث نفس و بخل آن». در نظر غزالی خشم و شهوت مایه هلاک عقل می‌شوند: «و از درهای بزرگ او خشم و شهوت است؛ و چون لشکر عقل ضعیف شود، لشکر دیو اقدام نماید و ناگهان درآید». از دید غزالی نابود کردن خشم امری محال است.

اما ریاضت به دو شیوه می‌تواند خشم را تعدیل کند و آن را در اختیار انسان درآورد: «قسم اول ریاضت به این دلیل نباشد که خشم نابود شود، بلکه بر آن است که او قادر شود بدان چه خشم را فرمان نبرد و در ظاهر آن را کار نفرماید مگر بر حدی که مستحسن شرع و مستحسن عقل بود. و اما قسم دوم ممکن است که به ریاضت بدان رسد که در خشم گرفتن برای آن خالی شود، چرا که دوستی آن از دل بیرون‌کردن ممکن است. و آن بدان

<sup>۱</sup>. غزالی، *احیاء علوم‌الدین*، ج ۱، صص ۸۴ و ۲۸۴ و ۳۵۹.

<sup>۲</sup>. غزالی، ابوحماد، *نصیحت‌الملوک*، به تحقیق جلال‌الدین همایی، تهران، هما، ۱۳۶۷، صص ۸-۷.

باشد که بداند که موطن دائمی او گور است و مستقر او آخرت؛ و دنیا جز معبری نیست که بر آن بگذرد و به قدر از آن توشه سازد. و آنچه ورای آن است در وطن و مستقر بر او وبال بود، در نیا زاهد شود و دوستی آن از دل محو گرداند!

### تحلیل عرفانی - اخلاقی نفس و برخی فضائل انسانی

تحلیل نفس انسان به «شناخت ماهیت نفس» و «شناخت حالات و افعال نفس» تقسیم می‌شود. از نظر غزالی، شناخت ماهیت نفس که فراتر از حدود و ثغور اخلاق است، علم مکاشفه است. در اخلاق، شناخت حالات و افعال نفس اهمیت می‌یابد. به باور غزالی «کل سعادت مبتنی بر سه چیز است: قوه غضب، قوه شهوت و قوه علم که لازم است از حد اعتدال خارج نشوند تا به راه هدایت راهنما باشند».

غزالی از سه دسته فضایل فلسفی، توفیقی و صوفیانه سخن می‌گوید. دو حد افراط و تفریط حکمت نیز عبارت است از مکر و بلاهت. از نظر غزالی، فضایی که تحت فضیلت حکمت قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از حسن‌التدبیر، جودت‌الذهن، نقایه‌الرأی (خلوص رأی) و صواب‌الظن. معیار اعتدال در اینجا شرع و عقل است. عدالت عبارت است از حالتی که مشتمل بر تناسب سه قوه حکمت، شجاعت و عفت باشد. عدالت یکی از اقسام فضایل نیست، بلکه جمله فضایل است.

غزالی در باب اخلاص، آیاتی از قرآن و احادیث نبوی را ذکر و فضیلت اخلاص را بیان می‌کند. غزالی بیان می‌کند که رضا مناقض دعا نیست و صاحب آن از مقام رضا بیرون نمی‌آید. قوت عدل آن است که قوت خشم و شهوت را به اشارت عقل و شرع در اختیار خود آورد. عدل در نگاه غزالی این است که حق هر صاحب حقی بدهد.

غزالی معتقد است که هرکس مرگ را بشناسد، مصیبت‌ها، رنج‌ها و غم‌های دنیا برای او آسان می‌شود و لذا به زهد و ناچیزی امید، در دنیا فرامی‌خواند و به اندوختن توشه برای

<sup>۱</sup> غزالی، احیاء علوم‌الدین، ج ۳، صص ۶۷ و ۳۵۲-۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۹۵.

سفر آخرت ترغیب می‌کند؛ زیرا بسیاری از مردمان را از اندیشه در مورد مرگ غافل می‌داند.<sup>۱</sup>

### وظایف قلبی و رهایی از مهلکات

به باور غزالی، قلب مرکز اصلی حصول ایمان و کفر و مقر استقرار الله و شیطان است. دغدغه او نجات و رستگاری انسان است. سعادت و نجات انسان در دیدگاه وی در گرو کسب فضایل و تطهیر قلب است. غزالی مؤمن را کسی می‌داند که «محبت خدای را به‌طور کامل در وجود خود احساس کند. و مؤمن از اصل دوستی خالی نباشد. و اما قوت دوستی و چیرگی آن، چنان‌که مشتاق آن شود و آن را عشق گویند، و اکثریت مردم از آن خالی باشند. و آن به دو چیز حاصل می‌آید، یکی قطع علاقت‌های دنیا و بیرون‌کردن دوستی غیرخدای از دل، چه دل او مثل آوندی است که مثلاً هرگز سرکه در آن ننگجد تا آب از آن بیرون نرود. سبب دوم، قوت دوستی را قوت معرفت حق تعالی است و چیرگی آن بر دل و آن پس از پاک کردن دل از مشغولیات و علایق دنیا، به منزلت پراکندن تخم است در زمین، پس از آن که از خس پاک کرده شود».

غزالی در جایی دیگر محبت و عشق را این‌گونه تعریف می‌کند: «محبت بنده خدای را حقیقت است و مجاز نیست. چه محبت در وضع لغت، عبارت است از میل نفس سوی چیز موافق. و عشق عبارت است از میل غالب مفرط».<sup>۲</sup>

غزالی احکام اخلاقی را صرفاً ناظر به رفتارهای جوارحی نمی‌داند و بر بُعد درونی و باطنی و نیت آدمی تأکید دارد و قلب اصل است و جوارح فرع‌اند و این ایمان حاصل تصفیه قلب است.

<sup>۱</sup> غزالی، ابوحامد، *احیاء علوم الدین*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا، ص ۱۲۴۷.

<sup>۲</sup> همان، ص ۹۱۳.

### امتیاز طریق تصوف و رد عقل محوری فلسفی

غزالی پس از بیان وظایف قلبی و تقدم قلب بر عقل و جوارح، بدین موضوع عنایت ویژه می‌کند که تصوف و راه عرفان بر طریق عقل و فلسفه برتری دارد.

بر این اساس وی پس از بررسی اندیشه فرقه‌هایی همچون اهل باطن، فلاسفه، متکلمین و اهل تصوف می‌گوید: «به یقین دریافتم که صوفیان از پیشنازان خلق به‌سوی خدایند. سیرت‌شان نیکوترین سیرت‌ها و راه‌شان درست‌ترین راه‌ها و اخلاق‌شان پاکیزه‌ترین اخلاق - هاست. بلکه باید گفت که اگر خرد خردمندان و حکمت حکیمان و دانش دانشمندان دینی را گرد آرند تا بتوانند با آن چیزی از سیرت و اخلاق خود را عوض کنند و بهتر از آن‌ها به جایش نهند هرگز نتوانند؛ همه حرکات و سکناات ظاهر و باطن‌شان مقتبس از نور نبوت است و بالاتر از نور نبوت نوری نمی‌تواند بر روی زمین باشد که بتوان از آن روشی یافت»<sup>۱</sup>.

غزالی عرفان و اخلاق را تجلی صفات الهی در روح بنده، از مشکات نبوت می‌داند و بنا را بر تناظر اخلاق و تصوف گذاشته بود با اعتقاد به این‌که با اخلاق و تصوف می‌توان به اخلاق الله متخلق شد. از دید وی همان‌طور که عالم ملک با حواس جسمانی قابل درک است، عالم ملکوت نیز به مدد و یاری قوه و نیرویی ورای حواس جسمانی فهم‌پذیر می‌باشد.

آنچه نفس انسان را از اتصال به عالم ملکوت بازمی‌دارد تعلق و وابستگی‌ای است که به جسمانیات و مادیات دارد. اگر نفس بتواند خود را از این تعلقات و وابستگی‌ها برهاند، می‌تواند به این عالم ملکوت راه پیدا کند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. غزالی، ابوحامد، *المنقذ من الضلال*، ترجمه صادق آئینه‌وند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰، ص ۴۹.

<sup>۲</sup>. زرین کوب، *فرار از مدرسه*، ص ۱۸۶-۱۸۲.

غزالی در *احیاء* به مباحثی درباره نفس پرداخته و وارد تحلیل صفات مذموم و ممدوح آن شده. آن‌گاه، راه از میان بردن صفات مذموم و تقویت صفات ممدوح را نمایان ساخته. غزالی در تعریف خُلق گوید: «خلق عبارت است از هیئتی که در نفس راسخ است، و افعال در کمال سهولت و آسانی، بدون نیازی به فکر و اندیشه از آن صادر شود. اگر آن هیئت به نحوی باشد که افعال پسندیده بر وفق عقل و شرع از آن صادر شود، گویند که خُلق نیکو است، و اگر آنچه از آن صادر شود افعال ناپسند بود، آن را خلق نکوهیده گویند» و «و خُلق عبارت از فعل نیست، خلق عبارت است از هیئت نفس و صورت باطنی آن»<sup>۱</sup>.

هدف آنچه غزالی به نام اخلاق تعلیم می‌دهد تربیت صوفیانه است. او نمونه کامل اخلاق را در وجود پیامبر (ص) نشان می‌دهد. تربیت اخلاقی در اندیشه غزالی صوفیانه و در بستر شریعت بود و به همین سبب انبیاء و در رأس آنان پیامبر (ص) را مرشد کامل خویش می‌دانست.

غزالی بر این عقیده است که حکمت مورد تمجید خداوند قرار گرفته و این آیه شریفه: نیز، درباره آن نازل شده است: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»<sup>۲</sup> وی حدیث منسوب به پیغمبر را نیز نقل کرده و آن را شاهد مدعای خویش به‌شمار آورده است: «الحكمة ضالة المؤمن، حکمت گمشده مؤمن است»<sup>۳</sup>.

غزالی در ربع مهلکات، در کتاب آفت‌های زبان، درباره حکمت می‌آورد که: «چون مؤمن را خاموش و آهسته ببینید، بدو نزدیک شوید که وی حکمت تلقین کند؛ و از قول پیامبر (ص) می‌آورد که «مردم سه قسم‌اند: غنیمت‌کننده، سلامت یابنده و هلاک شونده. پس غنیمت‌کننده آن است که خدای را یاد کند، و سلامت یابنده آن که خاموش باشد، و هلاک

<sup>۱</sup>. غزالی، *احیاء علوم الدین*، ج ۳، صص ۴۶-۴۷.

<sup>۲</sup>. بقره، ۲۶۹.

<sup>۳</sup>. بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۹.

شونده آن که در باطل خوض کند». غزالی می‌آورد که: «حکمت من آن است که از کاری که کفایت شده باشد نپرسم و تکلیف مالا یطاق نکنم».

### نتیجه

در این نوشتار، با تمرکز بر دو کتاب *احیاء و الیهادیه* کوشیده شد تا مبانی فکری و شیوه بازخوانی سنت دینی اسلام و یهود، در اندیشه غزالی و بحیا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. باور به لزوم مواجهه قلبی و عرفانی با دین و رد برخی مبادی صرفاً عقل‌گرایانه و فلسفی، از اساسی‌ترین مبانی فهم اندیشه و رویکرد غزالی و بحیا می‌باشد. در حقیقت در این رویکرد، فهم و باور به پروردگار از منظر استدلال و برهان یقینی و آنچه در مکتب‌ها و مدارس دینی-مذهبی مورد توجه است به حاشیه رانده شده و ایمان قلبی محور قرار می‌گیرد.

در این معنا با نگاهی صوفیانه، عشق الهیت محوریت یافته و راه‌های متعدد استفهام خداوند در رده‌های پسین نظام معرفت‌شناسی قرار می‌گیرد.

با توجه به مشرب عرفانی بحیا، و فصول الیهادیه می‌توان اندیشه عرفانی وی را چنین دانست: شناخت خالق واحد؛ عبرت‌آموزی؛ عبادت؛ ایمان و توکل؛ صدق و صفا؛ تواضع داشتن و عجب نکردن؛ توبه؛ خودآزمایی؛ زهد و بالاخره دل دادن به مهر و عشق خدا. تفکر بحیا در الیهادیه، تأکید بر اهمیت روحانیت و تقوای درونی به عنوان انگیزه اساسی هر نوع رفتاری، خواه دینی و خواه اخلاقی است، که او آن‌ها را تحت عنوان «وظایف قلبی» توصیف می‌کند. این وظایف، شامل اموری از این دست می‌شوند: تواضع، توکل به خداوند، شکرگزاری نعمات او و سرانجام عشق به حق که به مثابه‌ی غایت همه فعالیت‌های بشری است. این امور با تفکر صوفیان به خصوص محمد غزالی، شباهت‌های بسیاری دارد.



در تحلیل رویکرد بحیا و غزالی به حوزه کلام و عرفان، مسئله مهم، شیوه و نگاه اصلاح‌گرایانه ایشان به روش‌های متداول علمی و دینی - مذهبی در عصرشان است. در حقیقت غزالی و بحیا هر دو منتقد جدی روند اندیشه‌ورزی دینی و حیات مذهبی در دوران خویش هستند. از دید این دو، مسیر اساسی دین حصول محبت الهی، نیل به قرب پروردگار و سعادت هر دو سرا برای مؤمنان و متدینین است.

انسان خلیفه خداوند بر روی زمین بوده و غایت وی رجوع به پروردگار است. انسان مطلوب در این شیوه فهم دین، انسان الهی است. انسانی که در همه ابعاد و زوایا، صبغه و بوی الله داشته و مملو از محبت و عشق به خداوند باشد.

اخلاص و توکل و تحمل سختی‌ها و ناملايمات زندگي، در دنياي آکنده از جرم و بی‌دینی، پیش‌زمینه و مقدمه حصول محبت خداوند است. قلب مؤمن خانه پروردگار بوده و نباید با چیزهای دیگر و انواع خفی و جلی شرک و ریا و عدم اخلاص پر شود. زهد و تن ندادن به زیورها و وسوسه‌های دنیوی و نیز رعایت اعتدال و توسل به لطف و مرحمت خداوند یک الزام قطعی است.

رویکرد غزالی و بحیا در مقاطع متعددی کلامی است. بر این اساس این دو اندیشه‌ورز به دنبال دفاع از دین حقیقی، که همانا دین مبتنی بر قلب است، می‌باشند.

نقل و عقل در *احیاء و الهدایه* در کنار یکدیگر به کار بسته می‌شوند تا نهایت اقناع و اثرگذاری را به نمایش بگذارند. فهم نوافلاطونی و تجدیدنظرطلبی مبتنی بر بازانديشي دینی و کلام‌محوری، ساختاری پیچیده و در عین حال بعضاً دشوار به این دو اثر می‌دهد. عقل در این فرایند نفی نمی‌شود اما در مقام مقایسه کشف و شهود عارفانه و صوفیانه، مقدم و مرجح بر استدلال‌ها یقینی و عقلی تصویر می‌شود.

غزالی با گذار از درس و مشق و تفلسف به سراغ منشاء و مقرر اصلی ایمان یعنی قلب و دل مؤمنان می‌رود. در منطق وی، حیات مؤمنانه، حیاتی است که بر قلب ابتناء دارد. وی در

چهار ربع خویش مسیره‌های منتهی به سعادت و رستگاری جاویدان را به نمایش گذارده و طریق سلوک صوفیانه را پدیدار می‌سازد.

### منابع

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، فیلسوفان یهودی و یک مساله بزرگ، تهران، هرمس، ۱۳۸۸.
- بن‌پاقودا الاندلسی، بحیا، الهدایه الی فرائض القلوب، تصحیح: ابراهیم سالم بن بنیامین یهودا، هلند، انتشارات بریل، ۱۹۱۲-۱۹۰۷.
- تاجیک، محمدرضا «صوفی شالوده‌شکن: غزالی و واسازی عارفانه متن»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۷، شماره ۱، ۱۳۹۰.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، فرار از مدرسه، درباره زندگی و اندیشه ابوحامد غزالی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳.
- عثمان، عبدالکریم، روان‌شناسی از دیدگاه غزالی، ترجمه سیدمحمدباقر مجتبی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
- غزالی طوسی، ابوحامد محمد، کتاب الاربعین، ترجمه برهان‌الدین حمدی، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۶.
- غزالی، ابوحامد، احیاء علوم الدین، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- غزالی، ابوحامد، احیاء علوم الدین، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، به‌کوشش حسین خدیو‌جم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
- غزالی، ابوحامد، المنقذ من الضلال، ترجمه صادق آئینه‌وند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰.
- غزالی، ابوحامد، نصیحت‌الملوک، به‌تحقیق جلال‌الدین همایی، تهران، هما، ۱۳۶۷.
- لیمن، الیور، سنت فلسفی یهودی در جهان اسلام، مترجمان مهدی وهابی و مرتضی کربلایی‌لو، تهران، آستانه، ۱۳۸۵.
- نیکلسون، رینولد، تصوف اسلامی و رابطه انسان با خدا، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ دوم، تهران، سخن، ۱۳۷۴.
- همایی، جلال‌الدین، غزالی‌نامه، تهران، فروغی، ۱۳۴۲.

- Cohn-Sherbok, Dan, *Medieval Jewish Philosophy an Introduction*, London & New York: Routledge, 1996.
- Dauber, Jonathan, *Knowledge of God and the Development of Early Kabbalah*, the Netherlands: BRILL, 2012.
- De Lange, Nicholas, *An Introduction to Judaism*, University of Cambridge, 2002.
- Ibn Pakuda, Bachya, *Duties of the Heart*, Yaakov Feldman (trans.) Northvale, NJ: Jason Aronson Inc, 1996.
- Lobel, Diana, *A Sufi-Jewish Dialogue: Philosophy and Mysticism in Bahya ibn Paquda's "Duties of the Heart" (Jewish Culture and Contexts)*, University of Pennsylvania Press, 2007.
- Mansoor, Menahem, *Jewish History and Thought an Introduction*, NJ: KTAV Publishing House, 1991.
- Mittleman, Alan, *Holiness in Jewish Thought*, Oxford University Press, 2018.
- Scholem, G. *Origins of the Kabbalah*, Princeton: University Unites States, 1990.
- Schultz, Joseph P. *Judaism and the Gentile Faiths: Comparative Studies in Religion*, associated university presses, Inc, 1981.
- Sevir, Sara, "Jewish-Muslim Mystical Encounters in the Middle Ages with Particular Attention to al-Andalus. viewed 29 November 2019, < <https://www.academia.edu/35333184/>
- Sherwin, Byron L. *In Partnership with God Contemporary Jewish Law and Ethics*, Syracuse University Press, 1990.